



چهارم اشرف
رضا نوری
۱۳۰۰ مرداد



فاطمه علیها السلام در کنار پدر است: اهانت‌ها را می‌بیند، شکنجه‌ها را می‌بیند، آزارها را می‌بیند، قَلت یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌بیند، شعب‌ابی طالب را تحمل می‌کند، سختی‌های هجرت را به دل می‌پذیرد. همه‌اش سختی و مشکلات، رشد می‌کند.

همسردارے، فرزندپرورے و زهد انقلابے حضرت زهرا علیها السلام

مرحله دوم از ازدواج تا رحلت پدر. در این مرحله سه چیز را در زندگی فاطمه علیها السلام برجسته می‌بینیم: همسرداری، فرزندپروری و زهد انقلابی. همسرداری آن حضرت در حدی است که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنم: امیرالمؤمنین علیه السلام را برای گرفتن بیعت به مسجد بردند. حضرت فاطمه به دنبال امیرالمؤمنین راه افتاد. آمد، دید شمشیر بالای سر امام علی گرفته‌اند و او را تهدید می‌کنند. فریاد دختر پیامبر بلند شد: «دست از پسر عمویم بردارید! والا در کنار قبر پیامبر نفرینتان می‌کنم.» سلمان می‌گوید امیرالمؤمنین علیه السلام به من نگاهی کرد و گفت: «سلمان! دختر پیامبر را دریاب، نفرین نکنند.» کنار حضرت فاطمه آمدم و گفتم: «شما دختر پیامبر رحمت برای عالمین هستید، پیامبر هرگز نفرین نکرد، امت خودش را؛ نفرین نکنید.» حضرت فاطمه فرمود: «سلمان! نمی‌بینی می‌خواهند حسنین را یتیم کنند؟» عرض کردم: «علی علیه السلام فرموده است.» تا این را گفتم علی فرموده است، این دریای متلاطم موج خروشان آرام گرفت. حال که علی فرموده نفرین نمی‌کنم. وقتی که با امیرالمؤمنین داشت به خانه می‌آمد، جمله عجیبی دارد: «یا اباالحسن! جسمی لجسمک الفدا و روحی لروحک الفدا، ان کنت فی خیر کنت معک و ان کنت فی شر کنت معک.»^۱ اباالحسن! جسمم فدای جسمت باد، روحم سپر برای روحت باد. اگر در خوشی بودی با تو بودم، اگر در سختی هم بودی

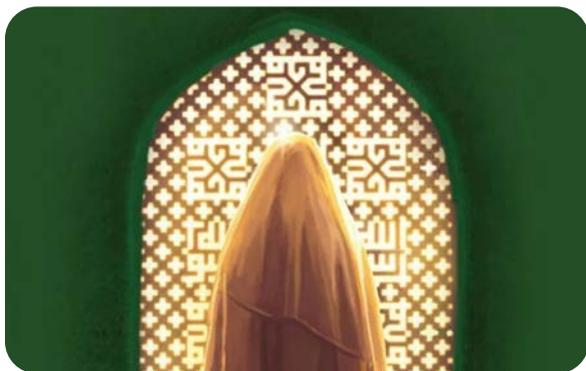
نطبة اول



الحمد لله المتفرد بالكبرياء و أشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمةً للوراء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و أولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى. اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنات في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حيّهم و ميّتهم و عنا و عن والدينا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما أحصاه كتابه و أحاط به علمه...

زندگی فاطمه زهرا علیها السلام در سه مرحله

عبادالله! اوصیکم و نفسی بتقوی الله. همه شما عزیزان، برادران و خواهران در این مکان مقدس، در جوار مرقد منور ثامن الائمه علیه السلام، به تقوا توصیه و سفارش می‌کنم؛ به خدا محوری، ارزش محوری و اجتناب از محرّمات و انجام واجبات. این ایام، ایام حزن پیامبر و آل پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت صدیقۀ طاهره فاطمه زهرا علیها السلام است. این مصیبت عظمی را به همه شما عزیزان، فرزند بزرگوارش و به همه فاطمیون در عالم تسلیت عرض می‌کنم. دریای بی‌کران فضائل و مناقب اهل بیت، فاطمه علیها السلام، قابل تصور هم برای ما نیست. فقط خداست که فاطمه و همسرش و فرزندان معصومش را می‌شناسد. چیز مختصری از زندگی ظاهری آن حضرت به ما رسیده است. باز از همان هم همه را نمی‌توان بیان کرد. به مقداری از آن اکتفا می‌شود. از نگاهی، زندگی فاطمه علیها السلام را می‌شود به چند مرحله تقسیم کرد: مرحله اول از ولادت تا ازدواج؛ مرحله دوم از ازدواج تا رحلت پدر بزرگوار؛ مرحله سوم از رحلت پدر تا شهادت خود آن حضرت. در مرحله اول، فاطمه علیها السلام هنوز کم‌سن و سال است، مادر را از دست می‌دهد و در کنار پدر قرار می‌گیرد. در شرایطی که مشکلات و سختی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در تاریخ قابل مقایسه با هیچ‌کس نیست، درعین حال



پیش آمد؛ انحراف در امامت و ولایت. چه کند فاطمه در مقابل این انحراف؟! آیا علی علیه السلام اقدام کند و آن پشت سر علی حرکت کند؟ علی نمی‌تواند؛ جنگ می‌شود، خونریزی می‌شود، اختلاف می‌شود، اسلام محو می‌شود. امام علی باید سکوت کند. دیگرانی هستند که به جای امیرالمؤمنین این اقدام مؤثر را انجام دهند؟ خیر؛ چه کسی است. سلمان می‌تواند؟ ابوذر می‌تواند؟ نه. یک سرباز و نیرو هست که می‌تواند ولایت و امامت را نجات دهد و در عین حال اختلافی هم ایجاد نشود، آن فاطمه علیها السلام است. اما تنه‌است، تنه‌های تنه‌است. به قدری این مسئله، این مسئولیت سنگین است که دختر پیامبر در دنیا یا ۷۵ روز می‌تواند مقاومت کند یا ۹۵ روز؛ توان فاطمه از بین می‌رود.

اولین کاری که کرد، وارد مسجد شد. در مقابل بزرگان و کسانی که در کنار پیامبر بودند، امروز چیز دیگری شده‌اند، بیان کرد آنچه که باید می‌شد، که همان حادثه غدیر و الهی ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بود. بیان کرد آنچه که نباید می‌شد و شد؛ و آن انحراف در رهبری و ولایت بود. بیان کرد علل و عوامل آنچه که باید نمی‌شد و شد. چرا این جور می‌شد؟ چرا سقیفه این کار را کرد؟ علل و عواملش را دقیقاً انگشت گذاشتن روی آن با فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و آیات قرآن. پیامدها و نتایج قطعی آنچه که شد و نباید می‌شد. در ملاقاتی که زنان مهاجر و انصار با حضرت داشتند، حضرت یک سخنرانی دارد که معرکه است: «أبشروا بسیف صارم» حالا که ولایت و امامت منحرف کردید، پشت سر علی بن ابیطالب علیه السلام نایستادید یک خبر به شما می‌دهم از آینده. آن خبر این است که شمشیر بزان ستمگران را بر گردن خودتان قرار دادید. بی‌رحمانه از شما خواهند کشت، قتل‌عامتان

بازم با تو بودم. فاطمه از تو جداشدنی نیست. این یعنی همسرداری. فرزندپروری نیاز به توضیح نیست که من عرض کنم که زینب چه بود و حسین و حسن و ام‌کلثوم علیهم السلام. زیاد شنیده‌اید؛ از این می‌گذرم. زهد انقلابی؛ در آن شرایط سخت اقتصادی پیامبر و همراهانش. یک روز امیرالمؤمنین علیه السلام وارد خانه شدند و رو به فاطمه علیها السلام فرمودند: «یا فاطمه! آیا غذایی در خانه هست؟» حضرت زهرا علیها السلام سرش را حرکت داد و فرمود: «یا علی! دو روز است که بچه‌ها چیزی نخورده‌اند.» امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «فاطمه جان! چرا به من نگفتید؟»

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: «یا ابوالحسن، من از خدای خودم شرم دارم از تو چیزی بخواهم که می‌دانم نمی‌توانی و مقدر برای تو نیست. من که وضعیت اقتصادی امت اسلامی را می‌دانم چیست، از تو چه بخواهم؟» این را می‌گویند زهد انقلابی؛ یعنی بی‌رغبتی به دنیا، با توجه به شرایط امت اسلامی در حال انقلاب و رشد و تحریم‌های کذایی.

مرحله سوم زندگی فاطمه علیها السلام مرحله خاصی است. اولین چیزی که بعد از رحلت پدر در زندگی فاطمه علیها السلام مشاهده می‌شود، چیز عجیبی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یَأْتِيهَا جِبْرَائِيلُ» جبرئیل که در تاریخ انبیا بر معدود و محدودی از انبیا نازل شده، بر فاطمه علیها السلام نازل می‌شد. «فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا»^۲ او را تسلی می‌داد به خاطر مرگ پدر؛ مقامات اخروی پیامبر را برایش ذکر می‌کرد؛ سرنوشت امیرالمؤمنین و فرزندانش را تا همیشه تاریخ نقل می‌کرد که بعد از شما برای امیرالمؤمنین، برای امام حسن، برای امام حسین و ... چه حوادثی پیش خواهد آمد. آنچه که جبرئیل می‌فرمود، حضرت فاطمه آن را بیان می‌کردند و امیرالمؤمنین آن را می‌نوشت. محصول گفت‌وگوی جبرئیل و فاطمه علیها السلام چیزی است به نام «صحیفه فاطمه». این مهم‌ترین اثری است که در زندگی فاطمه علیها السلام روی داده: نزول جبرئیل، همچنان که بر پیامبر نازل می‌شد، بر حضرت فاطمه علیها السلام نازل می‌شد. چه عظمتی است، می‌شود فهمید چقدر است.

نقش آفریننده حضرت زهرا علیها السلام در مبارزه با انحراف

حادثه دوم در زندگی حضرت فاطمه علیها السلام بعد از رحلت پیامبر این بود که یک انحراف عظیم بزرگ در زندگی ملت

علی جان، من را شبانه غسل بده، شب مرا کفن کن، «صلّ علیّ» خودت بر من نماز بگذار. کسی دیگر بر من نماز [اقامه] نکند.

«ولا تعلم أحدا»^۳ به هیچ کس خبر نده. امیرالمؤمنین علیه السلام داشت به وصیت فاطمه عمل می‌کرد. کار تمام شد. فاطمه را که کفن پوشانید. خواست بندهای کفن را ببند، صدا زد: «زینب! ام کلثوم! حسن! حسین! بیایید از مادرتان توشه بگیرید.» همه آمدند. حسن و حسین روی سینه‌های مادر. امام علی می‌فرماید که: «خدا را شاهد می‌گیرم که هاتفی ندا کرد: علی! فرزندان زهرا را از فاطمه جدا کن.» لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم.

خدایا، ما را علوی زنده بدار، ما را حسینی بمیران، ما را فاطمی محشور کن؛

خدایا، این جلسات، این احساسات، این فعالیت‌هایی که در این ایام دارد در تعظیم صدیقه طاهره فاطمه علیها السلام انجام می‌شود، همه را قبول کن. فاطمه را شفیعه همه ما قرار بده. ما را لحظه‌ای به خودمان وا مگذار.

.....

۱. أحمد رحمانی الهمدانی، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى (ص)، ج ۱، ص ۷۷۱.
۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۹۹.
۳. اسماعیل انصاری زنجانی، موسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء (س)، ج ۳، ص ۱۴۵.

خواهند کرد و «بهرج شامل» خبر می‌دهم شما را که نتیجه این کارتان، هرج و مرج، اختلاف گسترده خواهد شد. بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، امت اسلامی کجا روی اتحاد را دید؟ کجا روی آرامش را دید؟ «یدع فیئکم زهیذا و جمعکم حصیدا» خبر می‌دهم به شما که بیت‌المال را غارت خواهند کرد، حق شما را تضییع خواهند کرد، چیزی به شما نخواهند داد؛ حتی آنچه که خود می‌کارید، درو خواهند کرد. امروز در منطقه خلیج فارس، در غارت نفتی که فیء مسلمین است، چه خبر است؟ نفت را کی غارت می‌کند؟ نفت را کی می‌برد؟ نفت سوریه، نفت عراق، نفت سعودی کجا می‌رود؟ آنچه که امروز می‌بینید، فاطمه علیها السلام اینها را خبر داد، آگاه کرد مردم را. از شمشیر حجاج، از شمشیر یزید، از شمشیر ستمگران بنی امیه، بنی عباس خبر داد.

کار بعدی، گریه کردن بود. زار زار گریه می‌کرد. وقتی هم که فاطمه علیها السلام گریه می‌کرد، گویا تمام در و دیوار مدینه گریه می‌کرد. بعضی احساس خطر کردند. آن تقاضا را از امیرالمؤمنین علیه السلام کردند که مشهور است. اما کار به جایی رسید که فاطمه علیها السلام رمق گریه کردن نداشت. نمی‌توانست، گریه کند. صدا به گریه کردن هم نمی‌توانست بلند کند. امیرالمؤمنین علیه السلام کنارش نشسته بود. با آن حال و آن وضعیت، فرمودند: «علی، غسلنی و حنطنی و کفنی باللیل و صلّ علیّ و ادفنی باللیل»





معركة شدم والله يك لحظه من سراغ ندارم كه آمريكا با انقلاب خصومت نكرده باشد، مي بينيد هر روز هم بيشتر مي شود.

در مقابل دشمن خارجي كه در رأس آنها آمريكاست، ما هر جا چند اصل را مراعات كرديم، پيروز شديم و تا امروز پيروزيم. اصل اول: ما بايد از دشمن ترسيم، هر كه هست و هر چه هست، مجوز ترسيدن از دشمن را نداريم. اصل دوم: در عين حال، ما بايد دشمن را كوچك نشماريم، كوچكش نبينيم، هر چه كه هست به همان اندازه ببينيم او را. اصل سوم: از دشمن غافل نشويم. دشمن لحظه به لحظه در حال توطئه و مكر و حيله است. اصل چهارم: در برابر دشمن ضعيف نباشيم، قوي باشيم، قوي ظاهر بشويم. اگر ضعيف ظاهر شديم، مي خوريم. اين چهار اصل را، هر جا مراعات كرديم (كه نوعاً مراعات كرديم)، ما پيروز بوديم.

در مقابل دشمن خارجي، دو نمونه نزديك كه همه شما شنيديد وديديد، خدمتان عرض مي كنم: يك نمونه، نمونه انتخابات عراق. آمريكا، عربستان سعودي، امارات، صهيونيست ها، همه و همه دست به دست هم دادند، پول بسيج كردند، نيرو بسيج كردند، طرح بسيج كردند كه اولاً مردم كم در انتخابات عراق شركت كنند و ثانياً به شيعه رأی ندهند، به مقاومت رأی ندهند. مردم

خطبه دوم: تجربه ملت ايران در مواجهه با دشمنان خارجي

عباد الله! اوصيكم و نفسي بتقوى الله. در خطبه دوم هم همه شما عزيزان را به تقواي الهی توصیه و سفارش مي كنم. يك تجربه ارزنده اي ملت ايران، به ويژه انسان هاي نخبه از انقلاب اسلامي ايران دارند. از روز پيدايش و رويش، از روز رشد، از روز پيروزي، از روز تشكيل جمهوري اسلامي بر مبنای اسلام ناب، از چهل و چند سال دفاعي كه از اين نظام مي كنند، مردم يك تجربه ارزنده اي دارند و آن اين است كه ما دو نوع دشمن و دشمني داشتيم: يك نوع آن، به تعبير رايج، خارجي بود و يك نوع آن داخلي. من خوب يادم است خصومت آمريكا و استكبار، با انقلاب از روز پيروزي نيست، از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ است كودتاه عليه دولت ملی مصدق از همان روز. در آن وقتي كه انقلاب داشت جوانه مي زد، مخالف بود. وقتي كه رشد كرد، مخالف بود. وقتي كه پيروز شد، مخالف بود. وقتي كه نظام تشكيل داد، مخالف بود. امروز هم كه نظام را نگه مي دارد، باز هم مخالف است. در طول اين چند سالي كه از حدود سال ۴۶ به عنوان يك طلبه جوان وارد

دشمنشان پیروز شوند. اختلاف، بی‌آبرویی و شکست را در پی دارد. از اختلاف بترسیم.

دیگر از چه بترسیم؟! از سختی معیشت مردم بترسیم. از اینکه مردم سفره‌شان خالی باشد یا مثل خالی. از اینکه مردم نگاه به پای بچه‌شان کنند، کفش نداشته باشد، به بدنشان نگاه کنند لباس نداشته باشد، پول سرویس نداشته باشند، پول ثبت‌نام نداشته باشند. از این بترسند مسئولان. همه بترسیم از این مسئله. یادتان هست که رهبری در یک سخنرانی فرمودند که فقر عفت نمی‌شناسد.^۱ از سختی معیشت مردم بترسید و بترسیم. سه: از فساد اقتصادی کذایی بترسیم. اینکه یک نفر بتواند از راه فساد اقتصادی یک ویلا بخرد ۸۰۰۰ متر، آن دیگری چه کار کند؟ آن دیگری چه کار کند! از فساد اقتصادی بترسیم. نترسیم؟! از بی‌عدالتی و تبعیض بترسیم. فلسفه اصلی این نظام، ایجاد و گسترش عدالت است. «العدل حیات».^۲ آنجا که عدل نیست، از نگاه علی‌بن‌ابی‌طالب، زندگی معنا ندارد، زندگی، زندگی نیست. می‌خوریم، می‌خوابیم، راه می‌رویم، اما زندگی انسان در فضایی که عدالت نیست، زندگی وجود ندارد. از بی‌عدالتی بترسیم، از تبعیض بترسیم.

از جابه‌جاشدن ارزش‌ها بترسیم. والله! بالله! آنچه که اسلام می‌خواهد، در عین رفاه و ثروت، ساده‌زیستی می‌خواهد. تجمل‌گرایی نمی‌خواهد. تجمل‌گرایی در تضاد با زندگی اسلامی است. تجمل‌گرایی باید نباشد، یک باید است؛ چون تجمل‌گرایی اگر گذاشتیم عمر کند، گسترش پیدا می‌کند. آن هم که ندارد، تجمل‌گرا می‌شود. این فرهنگ عجیبی است. از تجمل‌گرایی بترسیم. تجمل‌گرایی، ضدارزش است. مگر ما زندگی ائمه را مطالعه نکرده‌ایم؟ زندگی پیامبر را مطالعه نکرده‌ایم؟ زندگی فاطمه سلام الله علیها را مطالعه نکرده‌ایم؟ ما از چه کسی می‌خواهیم تقلید کنیم. دنبال چه کسی راه افتاده‌ایم؟ به شفاعت چه کسی امیدواریم؟ از این هم باید ترسید. من می‌ترسم تعبیری را به کار ببرم، خدای ناخواسته، مسئولی را نمی‌خواهم تضعیف کنم. از رشوه‌گیری و رشوه‌خواری بترسیم. نکند گسترش پیدا کند. نکند جامعه را آلوده کند. به قول بعضی‌ها، از به

چه کار کردند؟ مردم از دفعات قبل بیشتر شرکت کردند. پیروزی قاطع هم از آن احزاب شیعه، از آن مقاومت شد. تودهنی محکمی زدند به آمریکا. تو نخواستی، ما خواستیم. تو می‌خواستی ما شرکت نکنیم شرکت کردیم. تو می‌خواستی مقاومت را تأیید نکنیم، مقاومت را تأیید کردیم. اهمیت مسئله در این است که نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور عراق را همین مجلس تأیید می‌کند. تودهنی محکمی خورد و گیج شد؛ چون این چهارتا اصل بود: نترسیدند، کوچک نشمردند، غفلت نکردند، در مقابلش قوی و پرتوان ظاهر شدند.

نمونه دوم، جنگ دوازده‌روزه. زیاد شنیدید. اینها در این جنگ چه تصمیمی داشتند؟ زیاد شنیدید نه؟! تصمیم داشتند چیزی از نظام اسلامی باقی نگذارند. آن، نامش را هم نمی‌خواهم ببرم زشت است! آن پسرک را بزک کردند لباس ویژه برایش دوختند که بیاید و در ایران سلطنت را اعلام کند، بیاید جای پدر بنشیند. آمد؟! تا اینجا آمدند جلو. با آخرین توانشان وارد مسئله شدند. توان مخابراتی‌شان، توان نظامی‌شان وارد مسئله شدند. بعد از دوازده‌روز چه گیرشان آمد؟ تودهنی خوردند یا نخوردند؟ شکست خوردند یا نخوردند؟ همین را می‌خواستند؟! چون ملت ایران هم نترسید، هم قوی وارد صحنه شد، هم غفلت نکرد. این اصول را مراعات کرد، باز هم پیروز شد.

اختلاف، خطر اصلی برای انقلاب

عزیزان! در آخر این خطبه، من چند جمله عرض می‌کنم. پس از چه بترسیم؟! از خارج که نمی‌ترسیم نه و نباید بترسیم و نترسیدیم تاکنون. از کجا بترسیم؟ از داخل بترسیم. در داخل از چه بترسیم؟ مسئولان! عزیزان خدمتگزار! عزیزان پرتلاش! عزیزانی که توفیق پیدا کردید در نظام مقدس جمهوری اسلامی مسئولیت داشته باشید، در رأس همه، شما باید از اختلاف بترسید. هیچ عاقلی در دنیا، با هر دین و مذهبی، قبول نمی‌کند که یک امت بینشان اختلاف باشد و آنها بتوانند بر

خدایا، عمری طولانی با نشاط، با عزّت، با پیروزی به رهبر معظم انقلاب عنایت بفرما.

.....

۱. مسئله معیشت قطعاً در اولویت اول است. معیشت که نبود، دین هم نیست؛ اخلاق هم نیست؛ حفظ عصمت و عفت هم نیست؛ امید هم نیست. کسی را که به موقعیتی دست پیدا کرده، به خاطر این که برای رفع نابسامانی و فقر، تلاش و مجاهدت کند و شب و روز خودش را صرف نماید، ملامت نخواهند کرد. اولویت‌ها را پیدا کنید. مسائل اساسی جامعه اینهاست. رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۸.

کارگیری نیروهای هم‌حزبی و هم‌قبیله‌ای و هم‌شهری، با عدم لیاقت، آن‌ها را به کار بگیریم، از این بترسیم. از انسان‌های لایق را کنار زدن و منزوی کردن بترسیم. اینها بد عاقبتند. آنچه که باید ترسید، اینهاست. از داخل بترسیم، از خارج حق ترسیدن نداریم.

خدایا، تو بهترین نعمت خودت را، که همان نظام مقدّس جمهوری اسلامی است، به ما دادی، شکر این نعمت را با دفاع از آن به آحاد ملت ایران عنایت بفرما؛

خدایا، ما را حافظ خون شهیدانمان قرار بده. خدایا! با ادامه راه امام، دعای خیرش را در حق ما مستجاب کن؛ در ظهور فرزند فاطمه سلام الله علیها تعجیل بفرما؛ ما را از سربازان مخلص او قرار ده؛

خدایا، غزه و فلسطین و لبنان و سوریه را نجات ده. شرّ آمریکا، اسرائیل، صهیونیسم را به خودشان برگردان؛

ما را بیامرز؛ گناهانمان را محو کن؛ گرفتاری‌هایمان را رفع کن؛ فرزندانمان را از بندگان صالح خودت و باقیات الصّالحاتی برایمان قرار بده؛

